

کیمپان

اشاره: پس از اتمام بیست و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، از ناشران نمونه‌نقد پذیر شد که در حوزه دفاع مقدس، انتشارات فاتحان مقام اول را کسب کرد. جدیدترین محصول این انتشارات در نمایشگاه کتاب امسال، «خط تماس» بود که به قلم محمدرضا پایرامی به زندگی شهید احمدکاظمی می‌پردازد. به همین بهانه با **سردار احمد حق‌طلب** رئیس سازمان حفظ آثار و نشر دفاع مقدس **سیاه و بسیج کل کشور گفت‌وگوی ترتیب داده‌ایم.**

سردار احمد حق‌طلب در گفت‌وگو با کیهان اظهار داشت: من، ملت شریفمان و تمام آزادگان ما، مدیون شهدای بزرگوارى چون احمد کاظمی هستيم که نه تنها خودشان نقش مؤثرى در پیروزی و موفقیت جمهوری اسلامی در تهاجم مملکتی استکبار و رژیم بعث عراق داشتند، بلکه این شهید بزرگوار و امثال این شهید برای همه ملت‌های مظلوم و ستمدیده الگو هستند. آنها به انسان‌ها یاد دادند که با اتکا به خداوند می‌توان روی پای خود ایستاد و با روحیه ایثار و جهاد و شهادت می‌توان در مقابل ظلم استبدادی کرد و به اهداف بلند خود رسید.
استاد سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سیاه و بسیج تصریح کرد: این فرصتی است تا از باب مسئولیتی که دارم و تعهدی که نسبت به شهید احمد کاظمی احساس می‌کنم چند کلامی پیرامون کتابی که اخیراً با نام «خط تماس» پیرامون آخرین لحظات عمر شریف این سردار بزرگوار جبهه‌های نبرد حق علیه باطل توضیح‌حاتی دهم.

سردار حق طلب در این باره افزود: محمدرضا پایرامی در کتاب «خط تماس» حدود ۲۴ ساعت پایانی عمر شریف سردار شهید احمد کاظمی را در قالب یک رمان به رشته تحریر در آورده است. وی به تحقیقات وسیع نویسنده کتاب قبل از نگارش اشاره کرد و گفت: یکی از موفقیت‌ها در ویژگی‌های کتاب این است که در پرواز قانتم‌ها که در نهایت سقوط کرد و همه سرنشینان آن از جمله شهید احمد کاظمی و تعداد زیادی از فرماندهان و همراهانشان به درجه رفیع شهادت رسیدند، با اینکه کسی از آن وقعه زنده بیرون نیامد، که بتواند ساعت آخر را نقل کند، آقای پایرامی با اطلاعاتی که تا قبل از پرواز داشتند و نیز بر اساس تحقیق وسیعی که کردند توانستند با قدرت تخیل، لحظات پایانی عمر شهید کاظمی را از زمانی که وارد هواپیما شدند تا لحظه‌ای که هواپیما سقوط کرده به نحوی

به نگارش در بیاورند که خواننده این بخش از زندگی شهید کاظمی را با لحظات و روزهای قبلی و خاطراتی که از دفاع مقدس داشته به راحتی می‌پذیرد و باور می‌کند.

سردار حق طلب خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه آن لحظات با یک برگشت در لحظات خاص، خاطرات شهید کاظمی را چه از زبان خودش چه از قول دوستان و هم‌زمان نقل کرده، خواننده احساس می‌کند ۲۴ ساعت پایانی عمر این شهید بزرگوار است ولی این ۲۴ ساعت قریب هشت سال سابقه رشادت و ایثار و جوانمردی این شهید بزرگوار را ترسیم کرده است.

آسیب‌شناسی کتابخوانی

سردار حق طلب، در پاسخ به این سوال که درجهت ترویج فرهنگ کتابخوانی چه اقداماتی باید صورت گیرد که جامعه ایرانی به سوی کتاب و کتابخوانی روی آورد، گفت: مشکل آن است که بپوید، نه آنکه عطر بگوید، کتاب فاخر و دارای محتوای مناسب، باید قلم و تالیف آن با سلیقه‌ها، اندیشه‌ها و گروه‌های سنی متفاوت سازگار باشد.

رئیس سازمان حفظ آثار و نشر دفاع مقدس سیاه و بسیج افزود: به عنوان مثال باید برای گروه‌های کودک، نوجوان، جوان، دانشجو، خانم و خاندان، افراد تحصیل کرده، کم‌سواد، رزمندگان و اقشار متفاوت جامعه، با قلم متناسب با خود آنها کتاب‌هایی تولید شود، در عین حال روان و دارای محتوای ارزشمند باشد. در حقیقت کتاب باید طوری باشد که وقتی فرد آن را در دست می‌گیرد احساس کند که باید صفحه به صفحه دست آورد و به نتیجه پایانی کتاب برسد. باید اطلاعات خواننده هنگام خواندن کتاب لحظه به لحظه افزایش یابد. این زیربنای کار است که سبب تشویق مردم به کتابخوانی می‌شود. اگر چه باید زمینه و بستر مناسب نیز به وجود آید، وی اظهار کرد: در راستای ترویج کتابخوانی، مولفه‌های دیگری چون تغییر ذائقه مردم از طریق آموزش و عادت دادن مهم است. غربی‌ها برای فروش محصولات غیرفراهنی خود مانند مواد غذایی با طعم‌ها و شکل‌های مختلف چنان تبلیغ طولانی مدت دارند تا

به بهانه تشییع پیکر ۱۷۵ غواص شهید عملیات کربلای چهار

دستان بسته فرشته ها..

مهدی آذر سرا

گفتم: دستان بسته فرشته‌ها،
یادم افتاد، فرشته‌ها دست ندارند.
وجه تمایز فرشته و آدمی، غیر فطرت و اختیار،
دو بال است. بال‌هایی که آن روز قرار شد با دستان بسته، مریدان خمینی(ره) را به عرش برسانند.

همه آنهایی که در ماه‌های آذر و دی در جنوب بودند، می‌دانند که چه سرمای استخوان‌سوزی دارد؛ چه برسد به آموزش غواصی و شنا در آن. می‌گویند غوغا، در عمق آروند است. شنیدهام جریان آروند، جریان صاف و آرام است، اما در عمق آن غوغایی به پاس و خروش و طغیان واقعی رودخانه زیر آب است. به طوری که اگر لنگر کشتی که در آروند باگر می‌اندازد ضعیف باشد جریان رود، کشتی یک پد کَش را از لنگر جدا می‌کند و با خود می‌برد. اینجاست که می‌فهمم چرا آبساز کارکنش زمان جنگ با ششیدن نام آروند، هوایی می‌شدند و تمام سختی عبور از این رودخانه را که حتی عراقی‌ها تصور نمی‌کردند کسی بتواند از آن عبور کند، به جان می‌خریدند. برای آنها جنگ دوجانبه بود، جنگ با آب و جنگ با دشمن.

توسل، این کلدواژه کاربردی در عموم عملیات‌ها و نfonذهای شناسایی، در میان غواصان معنای ویژه‌ای داشت. با استناد به برخی روایات شفاهی یازماندگان آن فرستگان زمینی، غواصانی که می‌خواستند از آب‌های مواج آروند عبور کنند، به وسیله یک رشته سیم تلفن خود را به همدیگر وصل می‌کردند تا جریان آب آنها را نبرد و گم نشوند. نفر اولی که در جلوی صف حضور داشت و سیم را به دور خودش می‌پیچید، چند متری سیم اضافه یا سر آزاد در جلوی او قرار داشت که وقتی می‌پرسیدند این سیم‌های اضافه در جلوی شما برای چیست؟ پاسخ می‌داد که این چند متر سیم که در جلوی من می‌بینید، اضافه نیست؛ بلکه سر آن به دست حضرت زهرا (س) است که ما را هدایت می‌کنند که به کدام جهت برویم...
مظلومیت غواص در نبرد، زمانی مشخص می‌شود که به عنوان یک غواص بدانی پس از کسب مهارت‌های لازم شنا در اعماق آب با تجهیزات و ادوات انفرادی، سکونت باید ورد زبات باشد؛
جان پناهی جز امواج سهمگین نداری و دالم در مرز زنده بودن نفس می‌کشی. همچنین مانند سایر یگان‌های رزمی، مشایعت آمادگسـر با یگان هم در کار نیست. وقتی پذیرفتی، باید پای اعتقاد و ایمانت مردانه دل به دریا بزنی و به سفارش اهل ذکر، انا فتحتنا ... و به جملنا بخوانی.
یادت باشد، اگر از سر صف یا به آتش می‌هدف دشمن تیری هم خوری، حق نداری سکوت آب و مهر را بشکنی. تو انتخاب کردی صیاد بحر معرفت باشی. در آن لحظات آخر هم باید صبر را برای آب معنا کنی اما باز بی‌صدا... دست آخر به رسم موسی و نیل، با دستان خودت پیچتر را به آب بسپری که او خود رسم بندپروزی داند ...

غواصانی که در سردترین فصل سال ۶۵

مجموعه‌محبت

در گفت وگو با سردار احمد حق طلب، رئیس سازمان حفظ آثار دفاع مقدس سیاه و بسیج مطرح شد:

آسیب شناسی کتاب دفاع مقدس

سیدمحمد مشکوة الممالک



مردم قرار گرفته است و چرا مردم به این موارد علاقه دارند، گفت: بخش عمده این خوانندگان خانواده شهید، رزمندگان، ایثارگران یا جانبازان هستند که از طریق فرزندان، پدران، برادران و همسران خود که در جبهه حضور داشته با دوران دفاع مقدس مانوس هستند؛ به همین دلیل این کتاب‌ها برای آنها با ارزش است.

وی افزود: از طرف دیگر، دوران دفاع مقدس و شهدای آن تنها موضوعی است که همه قومیت‌ها، ادیان و اقلیت‌ها در آن شرکت

شد استقبال زیادی از این کتاب صورت گیرد. سردار حق طلب گفت: وقتی که فرد کتابی را در نمایشگاه می‌بیند قبل از محتوا، زیبایی ظاهری کتاب را مشاهده می‌کند. زمانی که زیبایی ظاهری با محتوای جذاب تکمیل شد سبب اشتیاق فرد به خواندن کتاب شده و آن را به دیگران نیز توصیه می‌کند.

رئیس سازمان حفظ آثار و نشر دفاع مقدس ابراز کرد: همه می‌دانند که بحث آشنا کردن جوانان و مردم با کتاب و کتابخوانی خواسته تاریخی رهبر معظم انقلاب است تا جوانان ما بتوانند تاثیرگذار باشند؛ هر کدام از آن حلقه‌ها می‌نام‌برده کم می‌شود به طور قطع ما شکست خوردیم، امروز وضعیت کتاب و کتابخوانی در کشور ما حاصل عدم به‌هم پیوستگی این حلقه‌ها است.

استقبال از کتاب‌های دفاع مقدس
سردار حق طلب با اشاره به این که چرا

ذائقه مردم را به سمت و سوی محصول مورد نظر خود هدایت کنند. زمانی که مردم عادت کنند، ناخودآگاه خود دنبال محصول مورد نظر آنها خواهند رفت.ازاین روش تبلیغاتی می‌توان در دو جهت منفی یا مثبت استفاده کرد؛ منفی مانند غذاهای بی‌خاصیت و مثبت در راستای محصولات فرهنگی چون کتاب می‌تواند باشد. سردار حق طلب عنوان کرد: در بخش اول باید به تالیف، محتوا، قلم و نثر روان کتاب توجه کرده سپس ذائقه مردم را از طریق تبلیغ یا کتاب آشنا کنیم و در مرحله بعدی شرایط دسترسی به کتاب را مانند هر کالای دیگری فراهم کنیم. وی افزود: افزون بر آنچه گفته شد باید کتاب‌های تالیفی به لحاظ ظاهر و قیمت نیز مناسب باشد، آنچه را که می‌گویم ما دو سال پیش درباره کتاب زندگی شهید فرهایان تجربه کردیم. به این دلیل که طراحی روی جلد، رنگ، عکس، اسم، خط کتاب بسیار خوب بود سبب

از ۹ مانع طبیعی و مصنوعی بهره می‌برد. حوالی نخستان‌های اطراف آروند، حدفاصل جزیره بلجاییه تا بصره، به منظور تهدید شهر بصره، تصرف ام الرصاص و ابوخصیب و در نهایت تصرف شهر بصره، که به فرماندهی و هدایت سیاه پاسداران و مشارکت گردان‌های بسیج، در سومین روز از دی سال ۶۵ صورت پذیرفت.

... و عملیات این گونه آغاز شد
شلمچه! آروندرو!د جزیره ماهی! جزیره بوارین! پرده سیاه شب کشیده شده بود. آخرین نماز جماعت بود، خیلی‌ها تا ساعتی دیگر به سفر ابدی می‌رفتند، این را فقط خودشان می‌دانستند و فرشته‌هایی که در انتظارشان بودند. همه زار می‌زدند، گریه عذر تقصیر، عفو و بخشش به درگاه خدا، گریه شوق از توفیق چپاد.

در نزدیکی خط دشمن، غواصان پناه گرفته بودند، آماده دستور و فرمان حمله؛ لحظات سختی بود، همه چشمشان به قریبه‌های فسفری پرئور ساعت‌های غواصی که هر کدامشان به دست داشتند بود؛ لباس‌های سیاه غواصی به تن، سلاح‌ها، حمایل، نارنجک‌ها و خشاب‌ها بسته به فانوسقه‌ها، کوله‌های موشک‌های آری‌جی به پشت، ماسک‌ها به صورت، اشوگر‌ها به دهان، فین‌ها به پا، بندهای آن محکم، چاقوهای غواصی به ساقی پا بسته، سیم خاردار قطع‌کن، سسیم‌چین، چراغ قوه با انواع شیشه‌های رنگی برای اعلام خبر، کاتر و فندک؛ هر کدام را به جای خود محکم بسته بودند و آماده حرکت.

سکوت بر شلمچه و آروند حاکم بود؛ فقط صدای خشن خیزش نیزازا و امواج به گوش می‌رسید. هوا سرد بود، غواصان از سرما می‌لرزیدند، انگار از انقباض عضلات، لباس‌های غواصی هم گشاد شده بودند. اما گریزی نبود، باید بی‌سر و صدا در ساحل



گلوله منور از روی بصره، دهانه خلیج فارس تا روی خرمشهر ریختند. آسمان پر از منور شد. در طول جنگ، توب‌های چهارلول پدافند هوایی در ساحل مثل روز روشن شد. حالا وقتی بود تا تیراندازها، غواصان مظلوم را یکی یکی شکار کنند.

نورافشانی یک عملیات، اینچنین نوبر بود
ما باخبر بود شکسته شدن خط خود را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانست، اما این را هم می‌دانست که نیروهای خشکشان فقط به صورت موضعی می‌توانند در خطوط نفوذ کنند و بعد از تحلیل نیروی جسمی و تمام شدن مهمات، دیگر کاری از آنها بر نخواهد آمد. پس به فکر سد کردن نیروهای پشتیبانی افتاد که به طبع اهداف سهل‌الوصول‌تری بودند، چون هم بر

آروند، داخل باتلاق‌ها و لای نیزاز‌ها مخفی می‌ماندند تا دست‌نور برسد. بعدها به حکم دل، به سطح آب آروند که با بازتاب نور ماه، نوربالاها را، هوایی می‌کرد چشم دوخته بودند و با عقل سر، به مواضع هدف از ادامه نبرد صرف‌نظر نمودند تا فرصت مناسب‌تری برای طراحی مجدد به دست یابید. در این عملیات نیروی زمینی به کار گرفته شده خودی حدوداً به سه برابر نیروی زمینی دشمن بالغ بود.

عملیاتی آبی – خاکی، در مواجهه با دشمنی که

داشتند؛ یعنی اگر شما به دورافتاده‌ترین روستا یا شهری در ایران بروید پرچم برافراشته شده بر مزار یک شهید را در آنجا هم مشاهده خواهید کرد. وقتی مردم با چنین موضوعی هشت سال زندگی کرده باشند، طبیعی است که بحث دفاع مقدس و کتاب‌های آن برای آنها با ارزش و قابل توجه باشد.

سردار حق طلب در ادامه اظهار کرد: افزون بر این، خواندن کتاب‌های دوران دفاع مقدس به عنوان مثال خواندن خاطرات یک شهید، نوعی هم‌زانداری برای خواننده ایجاد می‌کند که خود، پدر، برادر یا فرزند شهید خود را می‌تواند در آن موقعیت تصور کند و این سبب جذابیت کتاب‌های مربوط به دوران دفاع مقدس می‌شود.

رئیس سازمان حفظ آثار و نشر دفاع مقدس، بیان کرد: افزون بر این، دفاع مقدس خود یک واقعه جذاب است، یعنی سختی‌ها، تلاش‌ها، رشادت‌ها، جنگ‌ها، اسارت‌ها، امدادهای غیبی، معجزات انسانی افتاده یا ویژگی‌های خوب فرماندهان، واقعی بوده و مردم ما قهرمانان واقعی را دوست دارند. وی در پاسخ به این سوال که اگر فردی بخواهد کتاب بنویسد، به چه سوزه از دوران دفاع مقدس بپردازد خوب است، گفت: من خود شخصا دوست دارم به موضوعاتی بپردازم که تا به حال به آن پرداخته نشده است، یعنی فکر می‌کنم هر کس که می‌خواهد در این زمینه کار کند باید دنبال تکرار و تقلید نرود.

سردار حق‌طلب افزود: در دوران دفاع مقدس به قسمت‌های برون‌مرزی که بچه‌های ما در قالب قسراگاه رمضان یا نصرت به عمق خاک دشمن رفته و عملیات می‌کردند کمتر پرداخته شده که فکر می‌کنم حوادث و اتفاقات جذابی دارد، البته من به همراه گروهی از نویسندگان مشغول تهیه خاطرات آن در قالب فیلم‌نامه برای سریال ۵۲ قسمتی هستم، اگر فرصتی پیش آید که بخواهم قلم بزنم دنبال چیزی می‌روم که کمتر برای مردم مطرح شده باشد.

دلیل استقبال مردم از کتاب‌های با تقریظ رهبری
رئیس سازمان حفظ آثار و نشر دفاع مقدس سیاه و بسیج، در پاسخ به این سوال که آیا کتاب‌های دفاع مقدس تا به حال توانسته اند حق مطلب را دربار هشت سال دفاع مقدس ادا کنند؟ عنوان کرد: می‌توان این را در حد خوب ارزیابی کرد، در برخی مسائل دوران دفاع مقدس برای به تصویر کشیدن به شکل فیلم یا نوشتن به شکل کتاب دست انسان باز است اما برخی را اگر نگویم غیرممکن اما بسیار دشوار و مشکل است.

چهارلول و سلاح‌های منحنی‌زن، یکدله و هم‌قسم شده بودند تا آزمون نهایی عاشقی را از فرزندان دل به دریازده خمینی(ره) بگیرند.
در آن اوقات سهمگین، در نهایت تصرف شهر بصره گرفته شده از تنگه‌ها، با توپ و خمپاره، قایق‌های رزمندگان را و با دوشسکا و تیربار، غواصان مظلوم را یک یک شکار می‌کرد. عملیات لغو شد. هیچ‌گونه تماسی با غواصان برقرار نبود. چه بر سرشان گذشت، خدا می‌داند و پس، بچه‌ها در عمق و سطح آروند قتل‌عام می‌شدند و هیچ کاری از سایر هم‌زمان ساخته نبود. دشمن دیوانه‌وار منطقه را زیر آتش توپخانه و خمپاره‌اندازها گرفته بود. صدای غرش توپ‌ها لحظاتی قطع نمی‌شد، دشمن می‌خواست از نیروهایی که برای عملیات پای کار آمده بودند، کسی سالم از منطقه خارج نشود.

تا اینکه دستور آمد که هر کس، هر طور و با هر چیزی که می‌تواند از منطقه خارج شود، وعده ما، مقر گردان در خرمشهر.

مرور تاریخچه کربلای ۴ و لو رفتن این عملیات مملو است از انتقادهایی از مجورهای مدنظر نهاجم، حجم نیروهای موثر عملیاتی و برآورد نامناسب از بتأسیل دفاعی دشمن، همچنین چگونگی مدیریت فرماندهان سیاه وقت و تصمیمات صحیح یا ناصحیح ایشان، همه و همه حواشی واقعه‌سوم دی ۶۵ است.

مژده‌ای رسید

اما فارغ از این اوصاف، ۲۸ اردیبهشت جاری مژده‌ای رسید؛ پیکر ۲۷۵ شهید از جمله شهدای عامل در عملیات کربلای ۴، ۱۲ مرز شلمچه وارد ایران شد. نویسدی که دهان به دهان و گوش به گوش، مادران گمان را به حقیقت‌های شهدا می‌کشاند. این خبر، ادامه تلخی نیز داشت، در میان این شهدا، ۱۷۵ نفر از غواصان کربلای ۴، با دستان بسته و بدون هیچ جراحتی، در گور دسته جمعی، که نه، گلزار دسته جمعی یافت شده‌اند.

به جرات، هیچ کس تا آن وقت فکرش را هم نمی‌کرده که، کی و کجا قرار است از میان دو انگشت مولايش، خیلی جاها را ببیند و یا اینکه، کربلای او کجا قرار گرفته است!
با خاک، با این طینت وجودی، «عادت آخر» خود را ترک دهد!

اینجا، لفظ جان کندن نامأنوس‌ترین واژه است. آخر، آدم شهید در حیاتش هم ترک عادت را سرلوحه عادات قرار داده!

اما این عادت آخری، عجیب دل بسته است
منطقه مثل روز روشن شد و لحظه سماء کند، آدم را نسفا عقل می‌گوید هنوز زنده‌ای، باقره امیدی هست، شاید از راهی که آمده‌ای به سلامت تن برگردی. اما دل، سکوت اختیار کرده، به حیا می‌کند از اعذار و ذلت که او عقیل معاشش را سه طلاقه نموده است.

این قتل که شهید در عین وصل، در درجات متفاوتند سخن گزافی نیست. غواصی که می‌بایست هم با آب می‌جنگید هم با دشمن، مقرر شد به شوق دلار، با دستان بسته و نفسی که هنوز در تن او جاری است، مرگ را به سخره بگیرد. حافظ کجاست که از شمع و گل و پراکنه بگوید ...

با خود فکر می‌کنم، این آدم، عادت دست و پاگیر نقش، چشمت خورش را به در دیوار تن می‌کوبد، که ها! جان داری و جان شیرین خوش

مجموعه ۸
یکشنبه۲۴ خرداد ۱۳۹۴
۲۶شعبان۱۴۳۶ – شماره ۲۱-۲۲

به خصوص کتاب‌های اخیرى که رهبر معظم انقلاب براساى آنها تقریظ نوشته اند، نمونه کتاب‌هایی است که بر اساس خاطرات واقعی برخى فرماندهان و رزمندگان به رشته تحریر درآمده است و توانسته ارتباط خوبی با مردم برقرار کند.

سردار حق طلب بیان کرد: کتاب‌هایی چون «پایی که جاماند»، «من زنده‌ام»، «نورالدین پسر ایران»، «عباس دست طلا» و اخیراً کتاب «آن ۲۳ نفر» و... تقریباً ۴۳ کتابی را که حضرت آقا درباره دفاع مقدس تقریظ نوشته‌اند نمونه کتاب‌هایی هستند که توانسته‌اند با مردم ارتباط خوبی برقرار کرده و مطلب را به خوبی انتقال دهند.

رئیس سازمان حفظ آثار و نشر دفاع مقدس، در صحبت پایانی خود گفت: به جوانان توصیه می‌کنم برای یک بار هم که شده یکی از این کتاب‌ها را مطالعه کنند. حضرت آقا به شهادت بزرگان ما در حوزه ادب و هنر یک ویژگی خاص، اطلاعات بسیار بالا و سلیقه گران بهایی نسبت به موضوع کتاب و کتابخوانی دارند. ایشان با آن همه مشغله که در اداره کشور، منطقه و جهان دارند وقتی روی یک کتاب دست گذاشته آن را خوانده و قسمتی از آن را نقد می‌کنند نشان از ارزش آن کتاب دارد.

سردار حق طلب افزود: اگر جوانان ما تا امروز این کتاب‌ها را مطالعه نکردند توصیه می‌کنم یک بار امتحان کنند. من به طور قطع می‌گویم که اگر کسی یکی از این کتاب‌ها را که نام بردم را شروع کند تا آن را تمام نکند رها نخواهد کرد. شما که این همه وقت برای سایر کتاب‌ها، اینترنت، تلویزیون و ... می‌گذارید یک بار دو ساعت در روز هم برای چنین کتاب‌های قرار دهید؛ به طور قطع لذت خواهید برد.

وی در پاسخ به این سوال که نظراتان راجع به اینکه مراجع نیز مانند رهبر انقلاب، کتاب هایی را خوانده و نظرات خود را اعلام کنند چیست؟ گفت: بسیار خوب است! به نظر من نوعی امریه معروف است که بالاتر از آن نیست. به طور قطع این تکلیف بر عهده ماست. به خصوص علما که نفوذ بیشتری دارند؛ در این مورد مسئولیت بیشتر می دارند. زمانی که من شما را به انجام کاری توصیه کنم با زمانی که پدر شما به انجام کاری توصیه کند بسیار تفاوت دارد؛ به طور قطع اطاعت شما از پدر بیشتر خواهد بود.اگر مراجع بزرگوار ما که نزد مردم از اعتماد و جایگاه بالایی برخوردارند درباره این کتاب‌ها توصیه داشته‌اند امر به معروف کنند حتماً از جانب مردم استقبال خواهد شد.

است. تا به وسوسه دو، سه روزی خور و خواب و شهوت، از مرید ۱۸ ساله خمینی (ره) پرده‌دری کند! بصره جان را اهم واجبات بشمرد! و پشیمان شود از کرده خود، که خاک بر دهانم الموت نخم. بگوید! شاید به جوانی‌اش رحم شود. قدری صبر کن! آیدای از خاتم گذشت ، ...وَتَكَلَّمْنَا أَيُّدِيَهُمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ(۱)

...دست‌هایشان با ما سخن گوید و پایهایشان به آنچه کرده‌اند گواهی دهد. به صدق‌ای این آیه، حالا که قرار است شهادت دهند دست‌ها و پاها، دست‌ها و پایایی که به قبول زحمت کبلا، سیم، بند نو، توبه و هرچه دم دست بود، حالا به ظاهر ساکتند ...

پدر دیگر برای شکر دیر است. به قول عزیزی، آدم از خودش خجالت بکشد بهتر از این است که از دیگران خجالت بکشد. حالا که فرشته‌ها، چشم به رفت و برگشت نفس‌هایمان دارند و قرار است خوب‌ترها را جاهای خوب‌تر ببرند، گداز به دیگری هم نگاه نمی‌کنند، اگرچه چشم‌ها بسته است. هر کس به سهم خود قانع است، تیر، تیغ، آب، شایدم ... خاک.

آقا این دقایق آخر، از همه آن ۱۷-۱۸ سال عمرش دیرتر می‌گذرد، مثل همین چند خط! انگار این حرم‌له‌های بعضی پاشان را روی عقربه‌های ساعت گذاشته‌اند، نه می‌گذرد، نه نمی‌گذرد. این وقت‌ها که سر شيطان، برای القای یأس در دل بچه‌ها شلوع می‌شود، فقط ایمان به کار ادم می‌آید. فکر کردن به چشم‌های منتظر مادران‌ای که چشم به راه برگشت دارند یا حتی، آدرن‌لانیی که از شدت ترشح در خون، می‌رود از گوش‌هایت فواره کند، خیلی مهم نیست.

یک حدیث، می‌گوید: مَنْ جاهدَ اللهَ و لاَ اللهَ... (۲) گمان نیک به خداوند آن است که جز به او امیدوار نباشی...

برای امیدوار به رحمت، که قرار است چشمش به هنگام مرگ به جمال آل کساء (علیهم السلام) روشن شود و همین طور که خاک بر سر و صورتش می‌ریزند، همانند بوبیبن گلی خوشبوی به لقای برسد، مرگ آنقدرها هم ترسناک نیست.

شهید عزیز؛ هنوز هم به اطمینان می‌دانم که نام تو به هیچ یادواره و بزرگداشتی نمی‌گنجد و هم هیچ کتابی، تو را باید با خود شناخت، تو را باید با خود گمنامی شناخت. شاید هم با آروند و نهرخین! که صبر را برایشان معنا کردی. آری برای آن تو نوشتن غیر از کاغذ و قلم، نظر رحمت تان لازم است که فقط کاغذ سیاه نشود.

کربلای بی‌منت‌های ۴ گذشت و کربلای ۱۷۵ غواص بحر عرفان خمینی (ره) نه در آروند و دجله، که امروز بر سر دستان من و شما رقم خواهد خورد.

بی‌نوشت‌ها:

۱- سوره یس آیه ۶۵

۲- اصول کافی- ج۲- ص ۷۲

منبع: روایی:مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

منبع خاطرات: علیرضا دلبریان